**[اختر در گذار از گازت تا روزنامه -رحیم رئیس نیا](http://ical.ir/index.php?option=com_k2&view=item&id=5614:%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%DA%AF%D8%A7%D8%B2%D8%AA-%D8%AA%D8%A7-%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D9%87%D9%87%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%AF%DB%8C%DA%AF%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%85%D9%86%D8%AA%D8%B4%D8%B1%D8%B4%D8%AF%D8%A9-%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C/-%D8%B1%D8%AD%DB%8C%D9%85-%D8%B1%D8%A6%DB%8C%D8%B3-%D9%86%DB%8C%D8%A7&Itemid=9)**

این مقاله به بررسی سیر تاریخی و تحولات روزنامۀ اختر، اولین روزنامۀ فارسی، می پردازد. مقاله در ابتدا به مقایسۀ گازت و روزنامه پرداخته و در مورد زبان روزنامه، سپس اظهارنظرها در مورد چگونگی زبان روزنامه و بررسی روزنامه های هم عصر آن و در نهایت به مزیت های روزنامه و مشترکین آن می پردازد.

 اختر، اگر ضمیمۀ فارسی تقویم وقایع، نخستین روزنامۀ ترکی عثمانی را نادیده بگیریم، اولین روزنامۀ فارسی است که شمارۀ اول آن در 16 ذی‌حجۀ 1292/13 ژانویۀ 1876، در استانبول به انتشار آغازیده و با وجود توقف‌ها و توقیف‌های کوتاه و بلندمدت، در حدود 21 سال پاینده است.1 ضمیمۀ یادشده در فاصلۀ سال‌های 1247-1253 ق/1832-1837 م، یعنی پیش از انتشار کاغذ اخبار**-**نخستین روزنامۀ چاپ‌شده در ایران**-** در استانبول و ولایات شرقی آناطولی و نیز بغداد توزیع می‌شده است.2 خان‌ملک ساسانی در بایگانی سفارت ایران در استانبول به سندی برخورده حاکی از آن‌که میرزاحسین‌‌خان مشیرالدوله (سپهسالار بعدی)، وزیرمختار و سفیر ایران در عثمانی، در سال 1281ق/1865م  «روزنامۀ ترکستان» را به وزارت خارجۀ ایران فرستاده است. وی از همین سند به این نتیجه رسیده است که در همان سال روزنامه‌ای فارسی به اسم ترکستان در استانبول طبع می‌شده است.3

فریدون آدمیت هم همان نظر را تکرار و تأیید کرده است،4 در‌حالی‌که در هیچ‌یک از مطبوعات ترکی عثمانی و فارسی چاپ‌شده در استانبول و از آن جمله روزنامۀ اختر نامی از چنان روزنامه‌ای نرفته است. درصورتی‌که  اختر گزارش مفصلی از یکی از شماره‌های کاغذ اخبار، که در میان اوراق یک تاجر ایرانی در خان والدۀ استانبول پیدا شده بود، تحت عنوان «گازت انتیکۀ ایران» به دست داده است5 و اگر چنین روزنامه‌ای یازده سال قبل از آن منتشر شده بود، به احتمال قوی نادیده‌اش نمی‌گرفت. ناصرالدین پروین با توجه به چنین نکته‌هایی است که «تصور» کرده است که روزنامة مورد بحثِ ارسالی به تهران بعید نیست که روزنامه به مفهوم کهن این واژه؛ یعنی گزارش خطی رویدادهای ترکستان بوده باشد که به منظوری به باب‌عالی فرستاده شده بوده، و توجه وزیرمختار را جلب کرده، آن را به وزارت متبوع خود ارسال داشته است.6 در یکی از شماره‌های سال اول اختر هم توضیحاتی دربارة بعضی از لغات و اصطلاحاتِ به‌کاررفته در آن و از آن جمله «گازت» و «روزنامه» داده شده که مؤید نظر ایشان است: «... از این قبیل است لفظ گازت، که کاغذهای اخبار یا روزنامه‌ها را نام نهاده‌ایم. به‌علت آن‌که اگر روزنامه بگوییم معنی حقیقی گازت را نمی‌تواند بفهماند...». به نظر نویسندة مقاله، نشریه‌ای که «خبرهای چند روز پیش و پس را می‌نویسد [و] از پولیتیک و منافع عمومیه سخن می‌گوید و از تاریخ و ادبیه (ادبیات) در آن» سخن می‌رود و ...، روزنامه به حساب نمی‌آید و مادام که کلمات مناسب از جانب هیئتی [صلاحیت‌دار] به‌جای کلمات خارجی و از آن جمله «گازت» وضع نشده، چاره‌ای جز استعمال آن‌ها نیست.7 از همین روست که در خود اختر ــ البته در شماره‌های سال‌های نخست‌ــ به‌جای «روزنامه» واژة «گازت» به کار می‌رود و گاهی هم واژه‌های «روزنامه» و «گازت» در کنار هم آورده می‌شود؛ مثل «... گازت و روزنامه به جهت بیان مطلب است نه فضیلت‌فروشی» یا عنوان سرمقالة شمارة اول اختر که «روزنامه و گازت» است. محمداسماعیل رضوانی هم بر آن است که به هنگام انتشار روزنامة وقایع اتفاقیه [در 1267 ق/1851 م] روزنامه بر نشریه‌ای که به‌طور منظم منتشر شود، اطلاق نمی‌شد، بلکه روزنامه مطلقاً معنای گزارش داشت و کلمة «روزنامه» جزء اسم همان نشریه بود؛ یعنی اگر بگوییم وقایع اتفاقیه، اسم آن را ناقص ادا کرده‌ایم؛ روزنامة وقایع اتفاقیه یعنی گزارش رویدادها. این‌که از چه تاریخ روزنامه به معنی مطلق نشریۀ روزانه به‌کار رفته، نیاز به تحقیق دارد. ایشان تذکر داده‌اند که «در روزنامة اختر به‌جای روزنامه همه‌جا کلمة گازت به‌کار رفته است.»8 که البته چنان نیست. دارندة این قلم با تورق دوره‌های اختر موفق شدم فرایند تغییر مفهوم واژة روزنامه از گزارش به نشریة منظم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را پیگیری و بازنمایی کنم. کاربرد واژه‌های «گازت» و «روزنامه» در اختر حاکی از روند گذار از اولی به دومی است. جالب توجه آن‌که از شمارة اول سال اول اختر تا شمارة 5 سال 6 (28 محرم 1296/29 ژانویة 1878)، سرلوحۀ آن با «این گازت...»، از شمارة 7 همان سال (13 صفر 1296/5 فوریة 1879) با «این نامه...» شروع می‌شود؛ تا آن‌که از شمارة 29 سال 12 (28 ربیع‌الثانی1303/فوریة 1886) «این نامه» جای به «در این روزنامه...» می‌سپارد. البته از شمارة اول سال 4 (محرم 1295) در متن اختر معمولاً لغات «اخبارنامه» یا «روزنامه» بدون همراهی «گازت» به‌کار می‌رود و به‌تدریج «روزنامه» جایگزین «اخبارنامه» می‌شود و بنابراین فرایند جای‌سپاری گازت به روزنامه و به‌عبارت‌دیگر تغییر و تحول مفهوم روزنامه از گزارش به نشریة منظم سیاسی و اجتماعی طی ده سال تحقق می‌یابد.

در دورة انتشار اختر و پس از آن، روزنامه‌های فارسی دیگری هم در عثمانی منتشر شده است. از جمله محمدعلی تربیت، شماره‌ای از روزنامة طنز شاهسون را، که در 1306 ق به همت طالبوف تبریزی و سیدمحمد شبستری (ابوالضیاء) ــ از دوستان و هموندان تربیت‌ــ به طریقة ژلاتینی در استانبول به چاپ رسیده بود، در اختیار داشته است.9 به نوشتة کول اوغلو، پس از «اعلان حریت» (مشروطیت دوم) در سال 1326 ق/1908 م در عثمانی، شش روزنامة فارسی در استانبول منتشر شده است.01

از قرار معلوم از هر کدام از روزنامه‌های آزادی (1327 ق/1909 م) و فکر استقلال (1328 ق/1910 م) یک شماره و از شیدا (1329-1330 ق)، که به دو زبان فارسی و ترکی منتشر می‌شده، پنج شماره انتشار یافته است.11 روزنامة شمس که از 1326ق/1908 م سال‌ها به‌طور هفتگی در استانبول منتشر شده،21 اگرچه در سرمقالة شمارة اول آن نوشته شده بود که به‌منظور بهره‌مندشدن برادران ترک‌زبان «گاهگاهی نیمی از آن را پارسی و نیمی ترکی خواهیم نگاشت»31 لیکن از قرار معلوم، مطالب ترکی در آن ناچیز بوده است.41 سروش (1327 ق/1909 م) را که به‌نوعی ادامة روزنامة صوراسرافیل به شمار می‌آید، علی‌اکبر دهخدا انتشار می‌داده است.51

روزنامة خاور، که ادامة شمس به‌شمار می‌رود، در 1332 ق/1914 م انتشار یافته است. مجلة پارس با همکاری ابوالقاسم لاهوتی و حسن مقدم به زبان‌های فارسی و فرانسه در 1303 ش و مجلة خاور که خود را ترجمان افکار ایرانیان ترکیه‌نشین قلمداد و از رضاخانِ سردارسپه هواداری می‌نموده، با همکاری حسن شمس، محمد توفیق و حسین دانش در اوایل دورة جمهوریت منتشر می‌شده‌اند.61 اختر نه‌تنها در میان روزنامه‌ها و مجلات فارسی منتشرشده در عثمانی، بلکه به جهات مختلف، که در این‌جا مجال پرداختن به آن‌ها نیست،71 در تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی از جایگاه خاصی برخوردار است. به باور حامد الگار، روزنامة اختر «بدون شک از جراید ترک که در دهة قبل از آن بسط و توسعة زیادی یافته بودند، الهام می‌گرفت... و به‌طور واقع[بینانه] مسائل سیاسی را در صفحات خود منعکس می‌ساخت و ... روزنامه‌نگاری را در ایران گام تازه‌ای به جلو برد».81 و محیط طباطبایی، که اختر را «زبان حال اتباع ایرانی مقیم خارج از ایران» به‌شمار آورده، بر آن است که از سال‌ها پیش از آغاز انتشار اختر، به انتشار روزنامه‌ای به زبان فارسی «برای ده‌ها هزار ایرانی مقیم عثمانی، که از حد متوسط زندگانی و پیشه و اندیشه برخوردار بودند» و در حقیقت قشری از طبقة متوسط شهری خواهان ترقی و تحول جامعة مدنی تأمین‌کنندة‌ حقوق شهروندی در منطقه و به‌ویژه در کشور خود به‌شمار می‌آمدند، احساس نیاز می‌شده است. در سرمقالة نخستین شمارة اختر دربارة زمینه و انگیزة اقدام به انتشار چنان روزنامه‌ای در استانبول به تفصیل سخن رفته است.91 در این‌جا جملاتی از آن، که دلالت دارد بر لزوم طرح انتشار روزنامه‌ای به زبان فارسی در آن سامان، نقل می‌گردد:

در «دارالسلطنة اسلامبول که امروز به نیک‌بختی پایتخت یک دولت بزرگ اسلام است و چشم و چراغ ممالک متمدنه ... به السنۀ چند و لغت‌های گوناگون [چون فرانسوی، انگلیسی، یونانی، ارمنی،‌عبری، بلغاری، عربی.و...]02 گازت‌ها و روزنامه‌ها طبع و نشر [می‌شود] ... و با این‌که زبان پارسی از بهترین و شیرین‌ترین زبان‌های قدیمه ... و زبان‌های انبوهی از ساکنان قطعة مشرق‌زمین و ملل عظیمة اسلامیان است و ... امروز هم جزء عمدة زبان دولت علّیة عثمانی می‌باشد، در هم‌چنان پایتخت سعادتمند تاکنون روزنامه‌ای بدان‌سان ترتیب نشده و بدین موجب جمعی از پارسی‌دانان که در اطراف جهانند، از درک این‌چنین نعمت [بزرگی] محروم مانده‌اند و فی‌الواقع مغبون شده‌اند؛ چه مبنای ترقیات جهان، خصوصاً در این جزء زمان به دستیاری اطلاعات و معلومات تواند بود و بس. و موازنة حال ترقی و وصول حال تمدن و آسایش عمومی ابنای جنس ممکن نتواند بود، مگر به دانستن اوضاع جهان و فهمیدن احتیاجات وقت و معلوم‌داشتن راه رفع آن احتیاجات و... چون این پایتخت هم‌چنان که مدار موازنة پولتیک و آسایش دول و ملل مغرب‌زمین است، کذالک واسطة ظهور کمال ترقیات در ممالک شرقیه نیز بوده، و بدین وسیلت مرکز تحصیل اطلاعات و دانستن اهمیت احتیاجات حاضره و متفرعات آن می‌باشد و... بنابراین هرگز روا نیست که در هم‌چنان پایتخت معظم اقلاً یک روزنامة فارسی نباشد که هم فارسی‌دانان در این ممالک فسیحه را از وقایع و اخبار جهان و از آنچه به کار احتیاجات حالیه می‌آید، به زبان شیرین و دلنشین [فارسی] آگاهی دهد و هم واسطة مزید روابط و مناسبات ملل عظیمة مشرقستان، که امروز ما را لازم‌تر از آن چیزی نیست، بوده‌ باشد و بدین وسیلت اسباب پیشرفت هرگونه اتحادات مطلوبه و ترقیات  صوریه و معنویه در اقطار مشرق‌زمین فراهم گردد...» و در ادامه، دربارة چگونگی زبان روزنامه چنین اظهارنظر شده است:

«... این گازت به سبک و اصطلاح معمولی حالایی زبان فارسی نوشته و به‌قدر امکان در غایت سادگی و عاری از تکلفات منشیانة متقدمین اهل انشا خواهد بود. مع‌ذالک، از جهت این‌که بیان بعض مطالب به‌طوری‌که قوّت مطلب فوت نشود، محتاج به استعمال بعض لغت‌های غیرمشهوره است و ناچار باید آورده شود، از بعض برادران زبان‌فهم از حالا عذرخواهی می‌کنم و مع‌ذالک امیدوارم که این گازت بعد از کمی انس و ممارست، منظور نظر خاص و عام شود و مطبوع طباع عموم فارسی‌دانان گردد.»12

اختر اگرچه با حمایت سفارت ایران در استانبول و با دست‌اندرکاری بعضی از کارمندان سفارت، به‌ویژه حاجی‌میرزا نجف‌علی‌خان خویی22 منتشر می‌شد و به نظری، برخی از کارمندان سفارت لازم می‌دانستند که در برابر روزنامه‌های ترکی یک روزنامة فارسی هم وجود داشته باشد، وانگهی، درحالی‌که بعضی اختر را وابسته به دولت ایران می‌دانستند، بعضی دیگر آن را متهم به خدمتگزاری به دولت عثمانی می‌کردند. به نظر می‌رسد که این‌گونه اظهارنظرهای متضاد، حاکی از موقعیت خاص اختر بوده باشد. روزنامه ضمن آن‌که از کمک‌های گهگاهی دولت ایران بهره‌مند می‌شده، ‌برخلاف مطبوعات داخلی از نوعی آزادی‌عمل برخوردار بوده، حتی گاهی از ورود آن به ایران جلوگیری می‌شده است. از سوی دیگر هم با وجود آن‌که مورد حمایت دربار عثمانی بوده، گزیری جز مراعات موازین و نظام‌نامة مطبوعات عثمانی نداشته، گاهی نیز معروض قیچی سانسور عبدالحمیدی می‌شده است.32

پس از انتشار اختر گازت‌هایی چون بصیرت (ش 2)، لوانت هرالد و جریدة حوادث (ش 3)، تقویم وقایع (ش 8) که در استانبول منتشر می‌شدند، فرات چاپ حلب و گازت ولایت یانیه (ش 21)، مفرح‌القلوب کراچی (ش 55) و ... انتشار آن را تبریک گفته‌اند و مدیریت روزنامه هم تحت عنوان «اخطار خالصانة اختر» از «آثار حسن‌قبول در حق او از جانب قدردانان اهالی از بزرگان و اصحاب علم و دانش و جملة فارسی‌دانان» تشکر کرده است.42 در شمارة 8 (27 ذی‌حجه) از نامه‌ای که به ادارة اختر رسیده سخن رفته است. نویسندة نامه «پس از اظهار حسن‌ظن و لطف خودشان» خواهش کرده‌اند که گاهی از مطالعات (اظهارنظرها) و افکار و از اخبار نافعه به زبان ترکی برای درج در اختر را ترجمه کرده، ارسال دارد. مدیریت اختر هم ضمن سپاسگزاری موافقت خود را با پیشنهاد مذکور اعلام کرده است. معلم احمد فیضی افندی (1258 ق/1842 م-1328 ق/1910 م)، ادیب و مدرس ادبیات فارسی در سلطانی غلطه‌سرای و تربیت‌کنندة شاگردانی چون توفیق فکرت و مؤلف آثار متعددی در پیوند با زبان و ادبیات فارسی که خود زادة یکی از دهات اطراف بستان‌آباد تبریز بوده25، در بدایت نشر اختر بالذات در ادارة آن حضور یافت، شعری که به همان مناسبت سروده بود، در شمارة 3 (20 ذی‌حجة 1292) مندرج است. بیت آخر آن دربردارندة ماده‌تاریخ انتشار اختر است: چون فروخواند فیضی بیدل گفت تاریخ «اختر کامل» (1292).

با تورق شماره‌های سال اول اختر و مرور و مطالعة اخبار و مقالات آن، چنین مستفاد می‌گردد که روزنامه در دورة سه‌ماهة انتشارش، به عللی، از جمله بُعد مسافت و مشکلات ارتباط پستی، نتوانسته است چنان‌که باید و شاید پیوند لازم را با داخل ایران برقرار بکند. به‌عنوان ‌مثال، نامه‌هایی که در 10-11 محرم 1293 در تبریز به پست داده شده بودند، در شمارۀ 32 [4 صفر 1293]؛ یعنی 22-23 روز بعد در اختر انعکاس یافته‌اند. گزارش بازدید ناصرالدین‌شاه از «کارخانجات و انبارهای قورخانة مبارکه» در 30 ذی‌قعدۀ 1292، که در شمارة 273 (6 ذی‌حجة 1292) روزنامة ایران درج گردیده، خلاص‌اش در شمارة 26 (25 محرم 1293) اختر یعنی 49 روز پس از انتشار شمارة مذکور روزنامة ایران و 55 روز پس از بازدید مذکور شاه به چاپ رسیده است.

قراین موجود حاکی از آن است که اختر در دورة اول انتشار خود موفق به ایجاد پیوند مستمر و گسترده‌ای با نخبگان ایرانی در داخل کشور نشده است؛ درصورتی‌که در آن فرصت کم توانسته است با مطبوعات عثمانی هماهنگی چشمگیری پیدا کند. اختر در این دوره، همچون مطبوعات عثمانی به دفاع از حقوق و منافع آن امپراتوری به‌ضعف‌گراییده و دستخوش ازهم‌پاشیدگی در برابر قدرت‌های اروپایی، که با دست‌آویز قراردادن «مسئلة شرق» قصد تقسیم قلمرو آن را بین خود داشتند، برخاسته بود. چنان‌که در شمارة اولش، با نقل بخش‌هایی از گزارشی چاپ‌شده در روزنامة تایمز، بدین صورت از دولت عثمانی جانبداری کرده است:

«چندی است که گازت ‌تایمس درخصوص مواد متعلقه به دولت عثمانی به طورهای نامناسب ادارة لسان می‌نماید. باز امروز وقایع‌نگارش لزوم مداخلة دولتین فرانسه و انگلیس را به میان آورده است. [غافل از آن‌که] دولت علّیۀ عثمانیه یک دولت بزرگ بالاستقلال است و به موجب حکم عهدنامة پاریس به حقوق دول معظمة اروپا داخل می‌باشد. بنابراین هر حقی که دول معظمة فرانسه و انگلیس و روسیه و پروسیه دارند، دولت علّیه نیز مثل آن[ها این] حق را خواهد داشت».

سرانجام دورة اول روزنامه، پس از انتشار شمارة 60 در 22 ربیع‌الأول 1293/17 آوریل 1876، ظاهراً به‌علت دشواری‌هایی مالی ناشی از عدم دریافت حق اشتراک اکثر نسخه‌های ارسالی برای جلب آبونه، به پایان رسید.

سرمقاله‌های شمارة ‌20،21، 55، 59 آن تحت عنوان «اخطار مخصوص» و کاهش تعداد محل‌های فروش روزنامه در استانبول از هشت مکان در شماره‌های اول به چهار مکان در شماره‌های آخر52 را می‌توان دلایلی برای اثبات ادعای مذکور دانست.

خان‌ملک ساسانی بر اساس اسناد موجود در بایگانی سفارت ایران در استانبول نوشته است که پس از تعطیل‌شدن اختر، سلطان عثمانی از بسته‌شدن آن «اظهار تکدر» کرده، به سفیر ایران گفته است: «حیف است در اسلامبول به زبان فارسی، که اساس زبان ترکی و اعذب‌السنه است، روزنامه نباشد.» و انتشار دوبارة آن در 2 محرم 1294/ 17 ژانویة 1877 به‌دنبال تعطیل نُه‌ماهه با تشویق سلطان و کمک مالی وزارت خارجة ایران امکان‌پذیر می‌گردد. برای تأمین مالی انتشار روزنامه در دورة بعدی نیز شرکتی تشکیل می‌شود که تنی چند از اتباع عثمانی هم سهامدار آن بودند و بنا به گزارش سفیر ایران به وزارت متبوع خود «بستن روزنامه به‌جهت این‌که اتباع عثمانی شریکند و نظارت عمومی در آن در دست حکومت [عثمانی] است، ممکن نخواهد بود».62

اختر که واپسین شمارة به‌دست‌آمده‌اش، شمارة 10 سال 23، منتشرشده در 30 ربیع‌الأول 1314/8 دسامبر 1896 است، بی‌گمان یکی از منابع ارزندة تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران و عثمانی در سال‌های انتشارش می‌باشد و عمده‌ترین منبع ایران و عثمانی در آستانة قرن بیستم، تألیف نگارندة این مقاله بوده است. مقاله با نقل بخش‌هایی از مقاله‌ای با عنوان «روزنامة اختر و زبان پارسی چقدر اهمیت دارند» که از روزنامة فرانسه‌زبان لوفار دو بوفسور72، از ارگان‌های مطبوعاتی یونانیان در عثمانی، که در سال‌های 1870ـ 1890 در استانبول منتشر می‌شده،82 ترجمه و در شمارة 4 سال 11 (29 شوال 1302/ 11 اوت 1885) اختر به چاپ رسیده، به پایان می‌رسد. این متن درعین‌حال نشانگر روان‌تر و پخته‌تر شدن زبان روزنامه در طی ده سالی است که از سرگذرانده و در این ده سال گام بلندی در جهت شکل‌گیری نثر روزنامه‌ای برداشته است:

«... در میان همة روزنامه‌های این پایتخت بزرگ، اختر دارای مقام مخصوصی است و سزاوار است که ارباب معارف به مطالعة آن رغبت نمایند. اختر در ممالک خارجه بیش از داخلة ممالک محروسة عثمانی آبونه دارد. وظیفة اختر جمع‌آوری لُبّ مطالب مهمة دارالخلافه و رسانیدن آن‌ها به سایر ممالک اسلامیه است... طرف خطاب اختر کدامین ملت است؟ همة مسلمانان مرز خاور. ازاین‌رو می‌توان گفت که اختر تنها روزنامة ملی ایران نیست، بل روزنامة عموم عالم اسلامیت است. سبب انتشار اختر در بلاد دوردست نیست، مگر به‌واسطة تعمیم زبان پارسی در همة ممالک مشرق‌زمین؟؟؟؟؟؟؟»

[از چهار زبان عمدة عربی، پارسی، ترکی عثمانی و هندوستانی که اکثر مسلمانان مشرق‌زمین بدان‌ها متکلمند]، ترکی عثمانی منحصر به ساکنان ممالک محروسة عثمانی است و غیر عثمانی‌ها آن را نمی‌داند... هندوستانی نیز منحصر به سکنة مسلمان هندوستان است ... ولی عربی و فارسی را تا یک درجه می‌توان گفت که زبان عمومی مسلمانان است ...عربی را تنها اولاد عرب متکلمند و سایر مسلمانان نیز ادعیه و احکام الهیه را عموماً به عربی می‌خوانند.

ولی زبان شیرین پارسی را به‌علاوة این‌که ایرانیان بدان متکلمند، رسمیات و ادبیات هم کاملاً بدان لغت فصیحه است. گذشته از ایرانیان همة مسلمانان قفقاز و ترکستان و هندوستان، با این‌که خود لغات مخصوصه دارند، باز علی‌الأغلب فارسی دانسته، مخابرات‌شان به‌طور مطلق به پارسی است. و به همین ملاحظات، والی ترکستان روس و فرمانفرمای هندوستانِ انگلیس هروقت به امیر افغانستان و یا حکمران بخارا نامه می‌نویسند، مطلق به لغت فارسی است. و هم‌چنین در میان همة حکمرانان ترکستان، مخابرات رسمیه و غیره، پیوسته به لغت پارسی بوده و هست. و علاوه بر این نوشتجات حکومتی و دیوانی خودشان و کتب ادبیات‌شان کاملاً پارسی است.

در ممالک عثمانی و هندوستان نیز در همة مکاتب آموزگاران پارسی هست [و] شاگردان را پارسی یاد می‌دهند...

ترکی عثمانی و اردوی هندوستانی هیچ‌کدام لغت مستقلی نیستند، بل مرکب و متشکل از دو سه زبان دیگرند. الفاظ اجنبیه در این زبان‌ها با قواعد مختلفه استعمال می‌شود... عالم اسلامیت [که] آرزومند شنیدن وقوعات این پایتخت بزرگ اسلام هستند. لهذا به خواندن روزنامة اختر به آرزوهای خودشان نائل توانند شد. چون اختر در پایتخت بزرگ اسلام طبع و نشر می‌شود، ازآن‌رو در همة ممالک عثمانی مانند بغداد و ارضروم [ارزروم] و حجاز و یمن و مصر و شام و سایر بلاد اسلامیه مثل ایران و ترکستان و کابل و تاشکند و بادکوبه و خیوه و بخارا و تمامی هندوستان تا در چین و در پاریس و لندن و برلین و پترسبورگ و مسکو و تمامی قفقاز و داغستان [دارای] مشترکین زیاد هست...»

منبع:

مطبوعات بهارستان 1، سال اول، شماره اول، پاییز 1390، ص 45-57.

**پی نوشت**

1. رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانة قرن بیستم، ج1، صص 343- 346؛ پروین، ‌تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و ...، ج1، ص 249

2. Otha‌‌‌n koloğlu, “türkçe-deş basin”, Tanjimat tan cumhuriyete Türkiye ansiklopedisi, vol. I, P. 98

3. خان‌ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ص 215

4. آدمیت، فریدون، اندیشة ترقی و ...،‌ ص 407

5. اختر، س 1، ش22 (19 محرم 1293/15 فوریة 1876)، صص 2 و 3

6. پروین، همان، صص 47 و 48

7. اختر، س1، ش27 (26 محرم 93/12 فوریة 76)، ص 1

8. رضوانی، محمداسماعیل، «مقدمه‌ای بر تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران»، مقدمه بر دوره‌های تجدیدچاپ‌شدة روزنامة وقایع اتفاقیه، ‌ص 7، همین مقدمه.

9. تربیت، محمدعلی و ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دورة مشروطیت، ج2، ترجمة محمد عباسی، ص 215؛ تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، ص 410

10. Koloğlu ibid

11. رئیس‌نیا، مطبوعات در جهان اسلام، (2)، صص 3 و 4

12. خان‌ملک ساسانی، صص 207-208

13. شکوری، ابوالفضل، «گزیده‌هایی از روزنامة شمس»،‌ فصل‌نامة یاد، پاییز 1386، ص 141

14. پروین، ج 2، ص 692

.15سیدمحمد دبیرسیاقی، مقالات دهخدا، ج1، ص سیزده و چهارده؛ ج2، صص 8-17؛ برای مقالات دهخدا در سروش، نک: همان، صص 219-277

16. رئیس‌نیا،‌ همان، صص 4 و 5؛ زینب شکوری، «آشنایی با جراید فارسی اسلامبول»، یاد، صص 70-73

17.نک: رئیس‌نیا، ایران و عثمانی...، ج1، صص 277-278

18.حامد الگار، میرزا ملکم‌خان، ص 194

19

20.Koloğlu, ibid, p. 94-98

21. اختر، س 1، ش 1، ([16 ذی‌حجة] 1292/ [13 ژانویة 1876])، صص 1 و 2

22.نک: رئیس‌نیا، ایران و عثمانی...، صص 425-431

23.پروین، ج1، صص 252 و 253

24.اختر، س 1، ش 4، (21 ذی‌حجة 1292/ 18 ژانویة 1876، ص 2)

25.نک: اختر، س 1، ش 5، ص 4، ش 57،‌ص 4

26.خان‌ملک ساسانی، ص 205ـ206

27. Koloğlu, ibid, p.94-95

28. Koloğlu, ibid, p.95